



مهدی عباد... پور نویسنده

خصوصیت در عادات: «عادات» عنصر دیگری برای اعمال شیوه خصوصیت‌سازی است که علاوه بر ساخت ویژگی یا ویژگی‌های مختص، برای شخصیت‌پردازی تلویحی، بسیار پرکاربرد است. مثال: در کتاب «موش‌ها و آدم‌ها» نوشته «جان استاین بک» شخصیتی به نام «لنی» عادت و علاقه‌اش، لمس موجودات یا اشیای نرم و لطیف است و نویسنده با چنین خصوصیت‌سازی‌ای، میخ ماندگاری شخصیت را در ذهن مخاطب می‌کوبد و حتی امکان دارد، به ماندگاری لایه‌های شخصیتی دیگر او کمک عمده‌ای کند.

خصوصیت در رفتار: باید توجه کرد که رفتارها نمی‌توانند به تنهایی، ماندگار شوند و شخصیت را در ذهن مخاطب جاودانه کنند.

احتمالا برای شما اتفاق افتاده که دوست یا اهل خانواده یا هر انسان دیگری، رفتاری را در یک موقعیت خاص ابراز کند و شما متعجب با خود می‌گویید: «چرا تو ای موقعیت، چنین کاری کردی؟» و شاید سوالات بی‌جواب و ناشناخته بماند. در داستان هم این «موقعیت» است که زمینه را برای اعمال رفتاری پیش‌بینی نشده و ماندگار، فراهم می‌کند که بر دو اصل با پرچست: ۱- اصل جابه‌جایی: در این اصل، مخاطب با رفتار یا رفتارهای ناشناخته روبه‌رو نخواهد شد، بلکه موقعیت جدید و سختی‌ناپذیر با آن رفتار، شخصیت را می‌کارد در ذهن مخاطب، یعنی شخصیت داستان، چنین رفتاری را در موقعیت ثابت داری انجام داده که انتظار می‌رفته، اما ابراز فعلی او در تضاد با موقعیت اولیه‌اش است. ۲- اصل تضاد: اصل تضاد، رفتار یا رفتارهایی ناشناخته، در موقعیتی دور از انتظار ابراز می‌شود که شخصیت را برجسته‌تر به مخاطب القا می‌کند و ممکن است اسم و روایت در ذهن مخاطب نماند، اما آن شخصیت سال‌ها ماندگار خواهد شد.

مثال: در یکی از صحنه‌های داستان بلند «رف تابستانی و هفت ثانیه سکوت عشق» نوشته علیرضا محمودی اینرهمر کودک کمی دور ایستاده و دارد به دخترکی که برایش بازمه و دوست‌دختری است نگاه می‌کند که ناگهان دختر، حالت بد می‌شود و بالای‌می‌آورد. این رفتار اولیه این سنکاس است و هوشمندی نویسنده را هم برای ورودش از فضای ساتی مانتالیسم، هم ماندگاری شخصیت در ذهن مخاطب نشان می‌دهد: «... در آن لحظه از آن چیزی که در حال اتفاق افتادن بود به هم ریخته بودم. انگار وسط یک شکلات خوشمزه که می‌خواهی با لذت توی دهانت بگذاری، کرم دشت و چندش آوری بینی. شاید تحت تأثیر همان اتفاق بود که هنوز هم بعد از سی سال نمی‌توانم ببینم کسی بالا می‌آورد.

مثالی دیگر: آخرین صحنه رمان «موش‌ها و آدم‌ها» نوشته «جان استاین بک» را به یاد می‌آورید؛ هنگامی که اهالی اصطبل، برای پیدا کردن و کشتن شخصیتی به نام «لنی» به جست‌وجوی پرازدن دوست صمیمی «لنی» هم یعنی «جورج میلون» با هدف کمک به دوستش به آن جمع می‌پیوندند. وقتی خودش «لنی» را پیدا می‌کند، چه واکنشی نشان می‌دهد؛ او رفتاری هرچند در راستای کمک به «لنی» بروز می‌دهد، اما در تضاد با نوع رفتار و شخصیتی است که در داستان پرازدن شده است. در حقیقت، «جورج میلون» قبل از اینکه اهالی اصطبل، «لنی» را پیدا کنند، او را با هفت تیر می‌کشد و این تضاد که شاید دور از انتظار مخاطب باشد، پایان و شخصیتی ماندگار خلق می‌کند؛ «لنی لب برمی‌چید و چشمانش پر از اشک بود. جورج دستش را بر شانه او گذاشت و گفت: «گوش کن لنی جون، من نمی‌خواستم اذیتت کنم. این موش مرده می‌فهمی لنی؟ با همین نازکردنت لنی چشم‌ها را می‌بگریز و وقت می‌گذرد. من می‌دارم چند وقت نگرش داری... لنی روی زمین نشست و افسرده سر فرو انداخت. گفت: «موش از کجا بیارم؟ دیگه موش پیدا نمی‌شه. اون وقتا به خانومی بود... هر وقت به موش می‌گرفتم، می‌دادش به من اما اون خانومه دیگه نیست. جورج یوزخندی زد که «خانومه‌ها؟ این هم یادت نیست که این خانومه، اینکه هم می‌گی کی بود؟ خاله خودت بود. خاله کلارا! اما اونم دیگه موش بت نمی‌داد. همه رو می‌کشتی!» لنی سر بلند کرد رو به او با چشمانی، غمبار و عذرخواهانه گفت: «موش‌خالی کوچیک بودن، من نازشون می‌کردم اما اونا دستمو گاز می‌گرفتن. من کله شونو به دره زور می‌دادم تا دستمو ول کنن. اما اونا فوری می‌مردن.

خصوصیت در وسیله: کم نیستند کسانی که در تمام یا برخی برهه‌های زندگی خود، نوعی وابستگی به وسایل داشتند یا دارند و این موضوع، می‌تواند باعث برجستگی چنین شخصی، در چشم دیگران شود. چنین نمونه‌هایی در ادبیات وجود دارد که می‌توان به داستان کوتاه «عروسک پشت پرده» نوشته «صادق هدایت» اشاره کرد و وابستگی پسرک به مجسمه یا عروسک دختر را به ماندگاری هرچه تمام‌تر دید: «مجسمه مثل چراغی بود که سرتاسر زندگی او را روشن می‌کرد - مثل همان چراغ کنار دریا که انقدر کنار آن نشسته بود و شب‌ها نور قوسی شکل روی آب دریا می‌انداخت. آیا او انقدر ساده بود، آیا نمی‌دانست که این میل مخالف میل عموم است و او را می‌سخره خواهند کرد؟ آیا نمی‌دانست که این مجسمه از یک مشت مقوا و چینی و رنگ و موی مصنوعی درست شده مانند یک عروسک که به دست بچه می‌دهند، نه می‌تواند حرف بزند، نه تنش گرم است و نه صورتش تغییر می‌کند؟ ولی همین صفات بود که مهربان‌راندلی‌خانه آن مجسمه کرد. البته که اعمال چنین تکنیکی، علاوه بر خلاقیت، به توانمندی نویسنده مربوط می‌شود و اینکه طی تمرین و تمرین، به مرحله نه‌پایان‌پایان شدن برسند تا مخاطب هم قلم او را پذیرا شود.

کلام آخر: داستان، صرفا روایت کردن نیست، صرفا چیدمان جملات و وقایع تجربی و تخیلی نیست، صرفا پذیرفتن پیام توسط مخاطب نیست؛ ادبیات، چگونه روایت کردن است.

فیض شریفی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شاعران و نویسندگان دیگر کتاب نمی‌خوانند

چون نه پول دارند نه حوصله!

آرمان ملی - هادی حسینی نژاد: کافی است از فیض شریفی بپرسی «چه خبر؟». تنها چند دقیقه بعد، فهرست پروبیمانی از عناوین را در اختیار می‌گذارد که یا به تازگی منتشر شده، یا در آستانه انتشارند و یا آخرین مراحل نگارش و ویرایش را پشت سر می‌گذارند. خبر گردآوری نقد آثار حدود ۱۰۰ شاعر میانسال و جوان در چند دهه اخیر و انتشار آن در قالب دو جلد کتاب، مناسبت تازه‌ای بود تا این بار از او بخواهیم بیشتر درباره نقد ادبی، تحلیل و البته تفاوت آن با ریویژن نویسی مرسوم در مطبوعات و جراید صحبت کند. او که معتقد است نقد، کنشی نظام‌مند و عاری از پسندهای فردی است، در توصیف شرایط موجود می‌گوید: «ناقدان معمولا پشت سر شاعر و داستان‌نویس حرکت می‌کنند. وقتی شعر و داستان در سطح حرکت می‌کند؛ شما نباید توقع داشته باشید که نقد بر شعر و داستان سوار شود. وقتی از انگیزه و هدفش از این همه سال نقد و تحلیل ادبی می‌پرسیم، با خنده جواب می‌دهد: «کار و بار خودمان را کنار گذاشته‌ایم تا درباره شاعران دیگر سخن بگوییم. درحالی که می‌دانیم خودمان چیزی از دیگران کم نداریم و کم نگذاشته‌ایم.»

اخیرا مطلع شدیم که مجموعه‌ای از نغدهای ادبی شما در قالب کتاب، منتشر شده است. لطفا کمی درباره این اثر، محتوا و بازه زمانی نقدها توضیح دهید.

پروژه شاعران معاصر ایران، همچنان ادامه دارد. اخیرا کتاب نقد آثار سیروس نوذری (۵) پوران فرخ‌زاد (۶) و هرمز علی پور (۷)، بر سبسط نشر نشسته است. پیش از این دو کتاب، نقد و به‌گزین اشعار اسماعیل خوبی، علی باباجاهی، سیدعلی صالحی، شمس لنگرودی را انتشارات حل سبسطه به چاپ رسانده و منتشر کرده است. در ادامه کتاب‌های شاپور جورکش، احمد رضا احمدی، رضا براهنی، نصرت رحمانی و چند دهه اخیر شاعران معاصر جوان را منتشر خواهیم کرد... همان‌طور که اشاره کردید، کتاب شاعران چند دهه پایان قرن چهاردهم نیز در دو جلد چاپ می‌شود چون در این اثر قطور، دفترهای شعر حدود ۱۰۰ شاعر میانسال و جوان از لحاظ زبان و نگاه نقد و بررسی شده است. درباره بازه زمانی نقدها نمی‌توانم تخمین بزنم، چون بیش از ۳۰ سال است که این آثار نقد و بررسی کرده‌ام و بعضی از این آثار را در مجلات و روزنامه‌ها به چاپ رسانده‌ام. باید در این باره دقت کرد، زیرا که طیف بزرگی از این شاعران، شعرهای سپید و نیمایی، پس‌انیمایی (یا پس‌امدرن)، حجج، فرانسید، فرانو و سبک‌های دگر می‌گویند. جمع‌بندی این جریان‌ها و موج‌ها واقعا بسیار سخت و جان‌فرساست. بخشی از نقدها و تحلیل‌ها و ریویژن‌های این جریان‌ها را فرخ‌الدین سعیدی به عهده گرفته‌اند، ما می‌خواهیم این کتاب دو جلدی را با همکاری هم چاپ کنیم.

باتوجه به گستره فعالیت‌های ادبی-پژوهشی و همچنین تعاملی که همواره با رسانه‌ها و مطبوعات داشته‌اید، جایگاه نقد ادبی را در طول این سال‌ها چطور ارزیابی می‌کنید؟

روزنامه‌ها و مجلات ادبی همواره با ما تعامل داشته‌اند. حتما به یاد دارید که شما در این دو دهه بسیاری از این نقدها را در روزنامه «آرمان ملی» به چاپ رسانده‌اید. جایگاه نقد ادبی ایران را باید در ارتباط با شعر و داستان معاصر مشخص کرد. ناقدان معمولاً پشت سر شاعر و داستان‌نویس حرکت می‌کنند. وقتی شعر و داستان در سطح حرکت می‌کند، شما نباید توقع داشته باشید که نقد بر شعر و داستان سوار شود و ناقد، عمیق‌ا در دریایی که به عمق یک انگشت است، غوص کند. ما مجبور بودیم که مثلا نقدهای این چند دهه را زیر نظر بگیریم و نقد بر نقد کنیم. مثال می‌آورم؛ علی باباجاهی «سه دهه شاعران حرفه‌ای» را نوشته‌اند و در آن، شاعران پس‌امدرن را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: مفهوم گرایان و ضد مفهوم گرایان. برهنی هم در کتاب «خطاب به پروانه‌ها» همین کار را کرده است. از نگاه من که این تقسیم‌بندی کامل نیست؛ چون در شعر ایران می‌توان شعر آریلی گفت، ولی شعر ضد مفهوم نمی‌توان گفت؛ زیرا بالاخره از برخورد و تضاد م واژه‌ها، مفهوم و پیامی بیرون می‌زند. برهنی و باباجاهی فکر می‌کنند با نحو شکنی بسیار می‌توانند شعر ضد مفهوم بگویند. وقتی شما نحو را نهایت تخریب کنید، دیگر زبان نمی‌ماند و صوت می‌آید، در آن صورت دیگر صوت نمی‌تواند زبان باشد. مولوی هم همین کارها را می‌کرد ولی در اصوات او مفهومی متبادر می‌شد. مسأله دیگر این است که بسیاری از این شاعران نیمایی مثل برهنی، باباجاهی و دیگران در طول زمان ریل عوض کرده‌اند و شعر



موظف است در مقاله خود به نظریات ادبی استناد کند یا تئوریک را مختصر از آنها را به دست دهد؛ اما ریویژر نیازی به استناد یا تقریر نظریات ادبی ندارد. او فقط ویژگی‌های اثر تازه منتشر شده را به خواننده می‌شناساند. اصطلاح تحلیل از علمی شیمی به عاریت گرفته شده است؛ شیمیدان نشان می‌دهد که عناصر در ترکیب با یکدیگر چگونه موجب ایجاد ماده مورد نظر شده‌اند. تحلیل در بی‌چگونگی برآمدن معنی است. در نتیجه عملکرد وزن شعر و آرایه‌های ادبی و صورخیال از قبیل تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه، جناس، سجع، ایهام و غیره، متقابلا در «تحلیل» هدف دقیقا تبیین این موضوع است که چگونه جزئیات با عناصری مانند وزن و تزیینات صوری در شعر با زاویه دید و شخصیت‌پردازی در داستان به شکل‌گیری و القای معنای خاص منجر می‌شود. «مرور و معرفی» یا «ریویژ» نوشته کوتاهی است که کاتب اثر ادبی تازه انتشارات یافته را به خوانندگان معرفی می‌کند. مثل اطلاعات کتاب‌شناختی و مؤلف و عنوان کتاب و صفحات و ناشر و بهای کتاب و فهرست مطالب و محتوا و به مرور معرفی آثار پیشین شاعر و نویسنده و کمی ارزش‌گذاری و شناخت کلی از کتاب. ریویژر می‌تواند شعرها و داستان‌ها را با هم مقایسه کند. تکنیک‌ها را بگوید جایگاه‌ها را توضیح دهد. اما نظریه‌های علمی نقد و نحوه کاربرد عملی آنهاست.

از ادامه روند انتشار مجموعه نقد و تحلیل آثار شاعران سرشناس چه خبر؟

خدمت‌تان عرضم که پاسخ این سوال را بخشی در سؤال نخست داده‌ام. نقدی بر عاشقانه‌های بیدل نوشته‌ام. آنتولوژی شعر معاصر ایران (نیم، شاملو، فروغ، سپهری و اخوان) را نشر شب چله چاپ و منتشر کرده است. با چاپ این کتاب، آنتولوژی شعر معاصر ایران به تقریب کامل شده است. چند کتاب هم درباره نمایشنامه و شعر نوشته‌ام. و کتاب «و شعر چیست؟» نظریه‌پردازی است. نمایشنامه‌های «سیاوش» و «نقد درام»، «یادداشت‌های ادیبانه پیش از آلیا بزم» هم خاطراتی درباره شاعران و نویسندگان و سینماگران است. همچنین کتاب «دریا می‌رود و می‌آید» مجموعه‌ای از ۲۰۳ تا ۱۰۰۰ ریکلم‌تور است که آن را انتشارات کتاب هرمز چاپ و منتشر کرده است. کتاب ترجمه شعر شاعران جهان «ترانه‌های کوچک تنهایی» هم با کمک هنگامه شریفی، دخترم - یک هفته دیگر چاپ می‌شود. اما من اکنون شش کتاب دفتر شعرم را ناشران شب چله و کتاب هرمز داده‌ام که چهار کتاب مجوز گرفته‌اند. رمان «پارائویا» را هم شب چله منتشر می‌کند.

در حال حاضر نیز مشغول تالیف اثر تازه‌ای هستید؟

خودم هم واقعا نمی‌دانم کتاب بعدی من چیست و چه نام دارد؛ چون هنگام نوشتن، سوزه می‌گیرم که بعد از کتابی که می‌نویسم چه کار کنم. مثلا یاد می‌آید که نمایش نویسی اروپایی، «قائم مقام» را درباره هینلر نوشته بود. در همان حال من تحریک شدم که درباره «قائم مقام فراهانی» خودمان نمایشنامه‌ای بنویسیم. ۶ ماه در اتاق خودم بی‌توجه کردم و درباره قائم مقام تحقیق کردم تا نمایشنامه قائم مقام را بر سر میز بگذارم. این کتاب را انتشارات کتاب هرمز چاپ کرده است. فعلا همان‌گونه که گفتیم داریم چند دهه شاعران جوان را ویراستاری می‌کنیم. اگر برای شما امکان دارد از انتشارات نگاه پرسید که شعر زمان محمد علی سپانلو کی چاپ می‌شود و هم چنین از انتشارات علمی و فرهنگی پرسید که چرا چاپ دوم نمایشنامه حسنگ وزیر را چاپ نمی‌کند.

پسامدرن سروده‌اند و بسیاری از پسامدرن‌ها، دنده عقب زدند و شعر ساده و نیمایی و شاملویی می‌گویند. نقدها و تحلیل‌های چند شاعر و پژوهشگر دیگر هم هست که آنها هم شعرهای خود و دیگران را نقد کرده‌اند و دهه به دهه شاعران را تقسیم کرده‌اند که آنها راهنمای خوبی هستند؛ ولی تکرار و نواقص بسیار دارند. کار ما هم مطمئنا بی‌نقص نیست؛ چون شاعران گاهی اصلا شعر کلاسیک و پس‌امدرن می‌گویند. اینجا هم ناقد تقصیر ندارد چون در هر حال بت عیار به شکل دیگری در آمده است. ما به شخصه توانستیم چند و چندین شاعر تأثیرگذار را در هر دهه پیدا کنیم و شعرهای آن‌ها را به نقد بکشانیم. حتما متوجه شده‌اید که ما چندگانه داریم. ما کار و بار خودمان را کنار گذاشته‌ایم تا درباره شاعران دیگر سخن بگوییم؛ درحالی که می‌دانیم خودمان چیزی از دیگران کم نداریم و کم نگذاشته‌ایم. به هر معنی از نگاه ما، برخی از ناقدان چند پله از شاعران و نویسندگان بالاترند؛ چون نقد، آفرینش است. شما ممکن است درباره دفتر شعری داد سخن دهید و آفرینش بهتری داشته باشید.

ممکن است تعریف شما را ریویژ، تحلیل و نقد و تفاوت آن‌ها را بدانیتم؟

شما وقتی درباره یک شاعر و نویسنده حرفه‌ای می‌نویسید، حتما او را قبول دارید که دارید درباره او نقد می‌نویسید. نقد امروز باید بر اساس ۱۷ نظریه ساختارگرا و فرمیک، روانکاوی فروید و لاگان، سوسور، نظریه ریفاتر، نظریه کریستوا، نظریه هوسرل، نظریه مارکس، نیچه، شوپنهاور، ویتگنشتاین، هایدگر، نظریه پسامدرن‌ها، نظریه تاریخ نوین، نظریه فرهنگی و بومی، نظریه بارت و یاکوبسن، نظریه چند لحنی باختین و نظریه پس‌ساختارگرایان نوشته شود. نقد ادبی، کنشی بسیار نظام‌مند، متکی بر مفاهیم و روش‌شناسی‌های برآمده از نظریات ادبی و غیرادبی است. نقاد ادبی عبارت است از تبیین و تقریر معنایی متکثر متون با استفاده از مفاهیم و روش‌شناسی‌های برآمده از نظریات نقادانه. به سه کلید واژه: «متن، مفهوم و روش‌شناسی» دقت کنید. متن اثر نقد یا نوشته‌مکتوب و جزان مثل نمایشنامه، فیلم، سریال، تصویر و آگهی تجاری است. منتقد برپایه نظریه‌های نقادانه به بررسی متون می‌پردازد. نقد، کنشی نظام‌مند است و برآمده از پسندها یا سنجه‌های فردی نیست. نقد مثل ریویژ (معرفی) نیست، ریویژر با ذوق زیبایی‌شناختی فردی اش درباره آثار ادبی و هنری نظر می‌دهد. منتقد ادبی



سید امیر حسینی
مدیر سایت اطلاع‌رسانی
صنایع سلولزی ایران

دولت سیزدهم تمام امکانات خود را برای خودکفایی کاغذ چاپ و تحریر با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب به‌کار برد و با کوشش و تلاش وزارتخانه‌های ارشاد، صمت و آموزش و پرورش کارخانه‌هایی که توان تولید کاغذ چاپ و تحریر را داشتند به مدار تولید این کاغذ برگشتند. اگر بخواهیم تولید کاغذ چاپ و تحریر در سال‌های گذشته را بررسی کنیم باید به آمار زیر توجه کنیم:

- سال ۱۳۹۶ معادل ۱۲۰۰۰ تن
- سال ۱۳۹۷ معادل ۱۹۰۰۰ تن

- سال ۱۳۹۸ معادل ۲۸۰۰۰ تن
 - سال ۱۳۹۹ معادل ۳۱۱۰۰۰ تن
 - سال ۱۴۰۰ معادل ۵۰۰۰۰ تن
 - سال ۱۴۰۱ معادل ۴۰۰۰۰۰ تن
 - سال ۱۴۰۲ حدود ۸۰۰۰۰۰ تن
- در این میان هنوز هم بر سر رقم صحیح مصرف کاغذ چاپ و تحریر در کشور اختلاف نظر وجود دارد. برخی مصرف استراتژی کشور را ۸۸۰ هزار تن می‌دانند و برخی ۱۳۰ هزار تن و گروهی ۱۸۰ هزار تن. ولی آنچه مسلم است مصرف کاغذ چاپ و تحریر در جهان روبه کاهش است، ولی برعکس جهان. ایران همچنان بر مصرف بی حد و اندازه این کاغذ اصرار دارد. برای بررسی بهتر این موضوع آمار واردات

- سال‌های گذشته را بررسی می‌کنیم؛
 - سال ۱۳۹۶ معادل ۳۱۱۰۰۰ تن
 - سال ۱۳۹۷ معادل ۲۶۹۰۵۱۶ تن
 - سال ۱۳۹۸ معادل ۳۶۷۰۸۵۲ تن
 - سال ۱۳۹۹ معادل ۲۰۲۰۰۰۰ تن
 - سال ۱۴۰۰ معادل ۲۱۳۰۶۱۴ تن
 - سال ۱۴۰۱ معادل ۲۱۸۰۸۶۴ تن
 - سال ۱۴۰۲ حدود ۲۶۰۰۰۰۰ تن
- همان‌گونه که مشاهده می‌شود مصرف کاغذ و چاپ و تحریر در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۲۰ هزار است (تولید + واردات). از طرفی مشاهده می‌شود مسابقه‌ای بین تولید و واردات این کاغذ شروع شده است، هرچه بیشتر تولید می‌کنیم بیشتر هم وارد می‌شود، در صورتی که این معادله باید عکس این باشد. بعد از همه‌گیری ویروس کرونا مصرف کاغذ چاپ و تحریر در جهان به شدت کاهش پیدا کرد و استفاده از رسانه‌های دیجیتال علتی مضاعف برای کاهش آن شد. در جهان تعداد زیادی از خطوط تولید کاغذ چاپ و تحریر تغییر کاربری داده‌اند و به خطوط تولید کاغذ بسته‌بندی تبدیل شده‌اند و استفاده آن روز به روز کمتر می‌شود. و صادرات... صادرات کاغذ چاپ و تحریر ممنوع است ولی به تازگی صادرات کاغذ کپی آزاد شده است. از آنجا که تولید این کاغذها در داخل از رول‌های وارداتی تامین می‌شوند، شاید در سال جدید بتوانیم شاهد صادرات این کاغذها باشیم.

کاغذ و معادله دومجهولی تولید و واردات!

